

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهرا(س)

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

عنوان

بررسی تأثیر شوکهای مخارج جاری و عمرانی دولت بر نرخ ارز حقیقی در ایران

استاد راهنما

آقای دکتر مهدی پدram

استاد مشاور

آقای دکتر احمد یزدان پناه

دانشجو

سمیه زارع نقده

شهریور ۹۰

**کلیه دستاوردهای این تحقیق
متعلق به
دانشگاه الزهراء (س) است.**

تقدیم به:

"پدر و مادرم"

به پاس اخلاص، فداکاری و محبتشان

اکنون که به یاری پروردگار این نوشتار به پایان رسیده است. بر خود لازم می دانم که از استادان ارجمندم که بی شک بدون راهنمایی های ارزنده شان نوشتن این رساله ممکن نبود تشکر و قدردانی نمایم.

جا دارد از زحمات بی شائبه خانواده عزیزم که در طول نوشتن این رساله همواره مشوق و پشتیبانم بوده اند. کمال قدردانی و سپاس را داشته باشم.

عنوان: بررسی تأثیر شوک های مخارج جاری و عمرانی دولت بر نرخ ارز حقیقی در ایران

نام و نام خانوادگی: سمیه زارع نقده

رشته تحصیلی: اقتصاد

استاد راهنما: آقای دکتر مهدی پدرام

استاد مشاور: آقای دکتر احمد یزدان پناه

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۰۶/۲۸

چکیده

در این پایان نامه به بررسی تأثیر شوک های غیرمنتظره مخارج جاری و سرمایه گذاری دولت بر نرخ ارز واقعی در ایران طی سال های ۱۳۸۶-۱۳۵۴ و با استفاده از الگوی خود توضیح برداری ساختاری پرداخته شده است. برای شناسایی شوک های ساختاری و اعمال محدودیت ها از روش اعمال محدودیت ها روی ضرایب کوتاه مدت برنانه استفاده شده است. به طور کلی یافته های تحقیق حاضر حاکی از تأثیر گذاری ترکیب مخارج دولت بر روی رفتار نرخ ارز در کوتاه مدت میباشد. افزایش در مخارج جاری باعث افزایش ارزش واقعی پول ملی شده و قدرت رقابت تولید کنندگان داخلی را در مقابل رقبای خارجی کاهش می دهد. تأثیر تکانه مخارج عمرانی بر نرخ ارز حقیقی در مقایسه با تکانه مخارج جاری بسیار اندک بوده و باعث کاهش ارزش پول ملی و افزایش قدرت رقابت پذیری تولیدات داخلی در مقابل کالاهای خارجی می گردد. نتایج بدست آمده مؤید آن است که تأثیر مخارج جاری و مخارج سرمایه گذاری بر روی نرخ ارز حقیقی متفاوت می باشد.

کلمات کلیدی: مخارج جاری، مخارج عمرانی، نرخ ارز حقیقی، الگوی خود توضیح برداری ساختاری

(SVAR)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول کلیات تحقیق
۱-۱-۱-۱	مقدمه.....
۲-۱-۲-۱	مسئله پژوهش.....
۳-۱-۳-۱	اهداف پژوهش و ضرورت آن.....
۴-۱-۴-۱	فرضیات پژوهش.....
۵-۱-۵-۱	روش گردآوری داده‌ها.....
۶-۱-۶-۱	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....
۷-۱-۷-۱	تعاریف عملیاتی.....
۸-۱-۸-۱	چارچوب تحقیق.....
	فصل دوم ادبیات تحقیق
۱-۲-۱-۲	مقدمه.....
۲-۲-۲-۲	تاریخچه تحولات نظریات اقتصادی دولت.....
۳-۲-۳-۲	هدف‌های اقتصادی دولت.....
۱-۳-۲-۳	تخصیص منابع.....
۲-۳-۲-۳	توزیع درآمد.....
۳-۳-۲-۳	ثبات اقتصادی.....
۴-۲-۴-۲	منابع تأمین هزینه‌های دولت.....
۱-۴-۲-۴	مالیات.....
۲-۴-۲-۴	دریافت عوارض.....
۳-۴-۲-۴	استقراض دولت.....

- ۵-۲- تقسیم بندی مخارج عمومی دولت..... ۱۵
- ۶-۲- نرخ مبادله یا نرخ ارز..... ۱۸
- ۷-۲- انواع نرخ ارز..... ۱۹
- ۱-۷-۲- نرخ ارز اسمی..... ۱۹
- ۲-۷-۲- نرخ ارز واقعی..... ۱۹
- ۳-۷-۲- نرخ ارز مؤثر..... ۲۱
- ۸-۲- عوامل حقیقی تعیین کننده نرخ ارز حقیقی..... ۲۱
- ۱-۸-۲- رشد بهره وری..... ۲۲
- ۲-۸-۲- رابطه مبادله تجاری..... ۲۴
- ۳-۸-۲- قیمت حقیقی نفت..... ۲۵
- ۴-۸-۲- جریان ورود و خروج سرمایه..... ۲۶
- ۵-۸-۲- نرخ بهره جهانی..... ۲۸
- ۶-۸-۲- سیات های تجاری..... ۲۹
- ۷-۸-۲- اندازه دولت..... ۳۰
- ۸-۸-۲- انباشت سرمایه..... ۳۱
- ۹-۸-۲- ترجیحات مصرف کنندگان..... ۳۲
- ۹-۲- عوامل پولی (اسمی) تعیین کننده نرخ ارز حقیقی بالفعل..... ۳۲
- ۱۰-۲- ارتباط بین مخارج دولت و نرخ ارز..... ۳۶
- ۱-۱۰-۲- الگوی ماندل - فلمینگ..... ۳۹
- ۱-۱-۱۰-۲- سیاست پولی و مالی در سیستم نرخ ارز شناور..... ۴۲
- ۲-۱-۱۰-۲- سیاست پولی و مالی در سیستم نرخ ارز ثابت..... ۴۶
- ۲-۱۰-۲- الگوهای بین دوره ای..... ۴۹
- ۱-۲-۱۰-۲- الگوی بین دوره ای پناتی..... ۴۹

۵۰	۲-۲-۱۰-۲- الگوی بین دوره ای فروت و روگوف.....
۵۳	۱۱-۲- نتیجه گیری.....
	فصل سوم پیشینه تحقیق و معرفی متغیرها
۵۵	۱-۳- مقدمه.....
۵۵	۲-۳- بخش اول: مطالعات پیشین.....
۵۵	۱-۲-۳- مطالعات انجام گرفته در خارج از کشور.....
۶۳	۲-۲-۳- مطالعات انجام گرفته در داخل کشور.....
۶۵	۳-۳- بخش دوم: مروری بر مخارج دولت و نرخ ارز در ایران.....
۶۵	۱-۳-۳- بررسی اجزای مخارج دولت و روند آن در ایران.....
۷۱	۲-۳-۳- بررسی نظام های ارزی و نوسانات نرخ ارز در ایران.....
	فصل چهارم روش تحقیق و یافته های تجربی تحقیق
۷۷	۱-۴- مقدمه.....
۷۷	۲-۴- معرفی متغیرها و روش برآورد.....
۷۷	۱-۲-۴- معرفی متغیرهای تحقیق.....
۸۱	۲-۲-۴- روش برآورد.....
۸۳	۳-۲-۴- معرفی روش <i>SVAR</i>
۸۷	۴-۲-۴- مسأله تشخیص در مدل <i>SVAR</i>
۹۰	۵-۲-۴- آزمون آماری روند زمانی متغیرهای کلان اقتصادی.....
۹۱	۶-۲-۴- تعیین طول وقفه بهینه.....
۹۳	۷-۲-۴- بررسی قیود اعمال شده جهت تشخیص مدل.....
۹۷	۳-۴- نتایج تجربی مدل.....
۹۸	۱-۳-۴- بررسی اثرات پویای تکانه مخارج جاری دولت بر نرخ ارز واقعی مؤثر.....
۱۰۱	۲-۳-۴- بررسی اثرات پویای تکانه مخارج عمرانی دولت بر نرخ ارز واقعی مؤثر.....

۴-۴- تجزیه واریانس نرخ ارز واقعی مؤثر..... ۱۰۳

فصل پنجم نتیجه گیری و پیشنهادات

۱-۵- مقدمه..... ۱۰۶

۲-۵- خلاصه تحقیق..... ۱۰۶

۳-۵- نتایج تحقیق..... ۱۰۹

۴-۵- پیشنهاد برای سیاست گذاران..... ۱۱۰

۵-۷- پیشنهاد برای مطالعات آتی..... ۱۱۱

فهرست منابع..... ۱۱۲

ضمایم و پیوست‌ها..... ۱۱۷

فهرست جداول

- جدول (۱-۳): سهم مخارج جاری و عمرانی از مخارج دولتی و مقدار رشد آنها طی سالیان ۷۱
- جدول (۱-۴): نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته متغیرهای مدل ۹۱
- جدول (۲-۴): نتایج تعیین وقفه بهینه مدل ۹۳
- جدول (۳-۴): نتایج تجزیه واریانس متغیر نرخ ارز واقعی مؤثر ۱۰۴

فهرست نمودارها

- نمودار (۱-۲): اعمال سیاست پولی در سیستم نرخ ارز شناور..... ۴۳
- نمودار (۲-۲): اعمال سیاست مالی در سیستم نرخ ارز شناور..... ۴۳
- نمودار (۳-۲): اعمال سیاست مالی در سیستم نرخ ارز ثابت..... ۴۵
- نمودار (۴-۲): اعمال سیاست پولی در سیستم نرخ ارز ثابت..... ۴۵
- نمودار (۲-۳): روند لگاریتم نرخ ارز حقیقی مؤثر در ایران..... ۷۷
- نمودار (۱-۴): سری زمانی لگاریتم نرخ ارز حقیقی مؤثر و مخارج جاری و عمرانی دولت..... ۸۱
- نمودار (۲-۴): واکنش نرخ رشد ارز واقعی مؤثر به یک انحراف معیار تکانه در نرخ رشد مخارج جاری دولت..... ۹۹
- نمودار (۳-۴): واکنش انباشته نرخ رشد ارز واقعی مؤثر به یک انحراف معیار تکانه در نرخ رشد مخارج جاری..... ۱۰۰
- نمودار (۴-۴): واکنش نرخ رشد ارز واقعی مؤثر به یک انحراف معیار تکانه در نرخ رشد مخارج عمرانی دولت..... ۱۰۲
- نمودار (۵-۴): واکنش انباشته نرخ رشد ارز واقعی مؤثر به یک انحراف معیار تکانه در نرخ رشد مخارج عمرانی..... ۱۰۳

فصل اول

به اعتقاد اغلب کارشناسان، نرخ ارز به عنوان یک لنگر اسمی در اقتصاد مطرح می‌شود. به عبارت دیگر نرخ ارز تنظیم کننده جریان ورود و خروج کالاها و خدمات و سرمایه بین یک کشور خاص با سایر کشورهای دنیا است، و همچنین تمام متغیرهای کلان اقتصادی به نحوی از این متغیر متأثر می‌گردد به طوری که سیاست گذاری‌ها بر روی این متغیر مهم اقتصادی از حساسیت خاص برخوردار است. نرخ واقعی ارز در هر کشوری بدون شک از شاخص‌های اساسی و بنیادین در تعیین درجه رقابت بین المللی و تبیین داخلی اقتصاد آن کشور به شمار می‌رود. آشفتگی و نوسانات در عملکرد این شاخص از یک طرف مبین عدم تعادل در اقتصاد بوده و از طرفی دیگر، علت بی‌ثباتی بیشتر محسوب می‌شود.

در برخورد با نرخ ارز همواره دو مسأله اساسی مورد سؤال واقع می‌شود، یکی تعیین خود نرخ ارز و و نظریات مختلفی است که در تعریف آن وجود دارد، دیگری تعیین و بررسی تأثیرات و تعاملات این متغیر با سایر متغیرهای کلان اقتصادی است. از این رو بررسی موضوع فوق از نظر اقتصاددانان کشورهای مختلف دور نمانده و مطالعات چندی طی سال‌های اخیر، به خصوص با گسترش روش‌های جدید اقتصادسنجی انجام یافته است. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که در ایران نرخ ارز تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی و همچنین سیاست‌های پولی و ارزی بانک مرکزی قرار گرفته و از نوسانات قابل توجهی (بالاخص در بازار آزاد) برخوردار بوده است.

از طرفی یکی از مسائل اساسی در حوزه سیاست‌های مالی تأثیر مخارج دولت بر مؤلفه‌های اصلی اقتصاد کلان همچون نرخ ارز واقعی می‌باشد. سیاست‌های مالی بیشتر به شکل افزایش هزینه‌های دولتی می‌باشد (غالباً تأمین مالی این هزینه‌ها، از طریق استقراض از بانک مرکزی انجام می‌گیرد). پس بررسی دقیق اثر تغییرات مخارج دولتی بر نرخ ارز واقعی می‌تواند نقش بسیار مهمی در شناخت چگونگی ارتباط بین این دو متغیر و استفاده از آن در سیاست گذاری‌های کلان اقتصادی داشته باشد. عمده تحقیقات انجام شده در این زمینه مربوط به کشورهای صنعتی و با توجه به گوناگونی ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه با کشورهای صنعتی می‌باشد، انتظار می‌رود تأثیر مخارج دولت و بویژه شوک‌های مخارج دولتی بر نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه نتایج متفاوتی را عرضه کند.

اقدامات دولت و مخارج آن در اقتصاد یک کشور نقش به‌سزایی بازی می‌کند. این نقش طیف وسیعی از تغییرات متغیرهای اقتصاد خرد و کلان را در بر می‌گیرد. اقتصاددانان کلاسیک معتقدند که دخالت دولت از طریق افزایش مخارج تأثیر چندان پایداری بر عملکرد حقیقی اقتصاد ندارد و تنها به جابجایی منابع و مصارف بین دولت و بخش خصوصی منجر می‌شود. در مقابل طرفداران مکتب کینز معتقدند که دولت و مجموعه اقدامات آن باعث رونق و رکود اقتصادی می‌شود و لذا مدیریت هزینه‌ها و مخارج دولت از جمله موضوعات مهم در بررسی سیکل‌های تجاری می‌باشد. این موضوع وقتی مهم‌تر جلوه می‌کند که به روش‌های مختلف تأمین مخارج دولت نیز توجه شود. سه روش عمده وجود دارد: استقراض از مردم، استقراض از خارج و استقراض از بانک مرکزی. در خصوص روش سوم که در آن دولت‌ها از منابع بانک مرکزی برای تأمین مخارج خود استفاده می‌کنند، بیشتر مختص کشورهای در حال توسعه و دارای منابع طبیعی است (دولت در کشورهایی که فاقد منابع طبیعی هستند به کمک مالیات جمع‌آوری شده اداره می‌شود، در حالیکه دولت برای تأمین مالی هزینه‌اش در کشورهای برخوردار از منابع طبیعی وابستگی کمتری به درآمدهای مالیاتی جمع‌آوری شده از آحاد جامعه دارد و بیشتر با استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی می‌کند)، در این حالت سیاست‌های پولی پیرو سیاست‌های مالی می‌شوند.

از سوی دیگر، طبق مدل‌های مطرح شده، در یک اقتصاد باز عملکرد دولت‌ها نه تنها بر عملکرد اقتصادی داخل کشور اثرگذار است بلکه بر ارزش پول ملی آن نیز در سطح بین‌الملل مؤثر است. این اثر می‌تواند آنی باشد (سیستم نرخ ارز شناور) و یا با چند دوره تأخیر اثرگذار باشد (سیستم نرخ ارز ثابت).

با توجه به اینکه در اقتصاد ایران سیاست‌های مالی نقش تعیین‌کننده را در عملکرد اقتصاد داخلی و خارجی کشور دارد و از سویی قسمت درآمدهای دولت تا به امروز عمدتاً از طریق فروش نفت خام تأمین مالی می‌شوند، لذا برای بررسی آثار سیاست مالی بر نرخ ارز حقیقی و یا قدرت خرید ریال در مقابل سایر ارزهای عمده جهان از قسمت مخارج دولت استفاده می‌کنیم. چون این مخارج تحت دو قسمت مجزای مخارج جاری و عمرانی تقسیم بندی می‌شود، و با توجه به اینکه هر کدام از این متغیرها نقش و آثار متفاوتی بر قدرت خرید پول ملی می‌توانند داشته باشند، لذا سعی می‌شود در این مطالعه به بررسی اثر آنها بر نرخ ارز حقیقی در ایران پرداخته شود.

۱-۳- اهداف پژوهش و ضرورت آن

از آنجایی که اعمال سیاست‌های مالی از جمله تغییر در مخارج دولت، یکی از مسائل مهم و مورد توجه در اقتصاد می‌باشد و همچنین در اقتصاد ایران سیاست‌های مالی نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصاد داخلی و خارجی کشور دارد و از طرفی در مباحث مربوط به اقتصاد بین‌الملل، نرخ ارز و نحوه

قیمت گذاری آن تأثیر به سزایی در عملکرد اقتصاد کلان کشورها دارد و این اهمیت وقتی بیشتر می شود که کشور مورد مطالعه از درجه باز بودن بالایی برخوردار باشد یعنی مجموع واردات و صادرات به تولید داخلی بالایی داشته باشد، همچنین وابستگی برخی کشورها مثل ایران به صادرات نفت خام باعث می شود که ناخودآگاه اقتصاد کشور اقتصادی باز قلمداد شود. از این رو مطالعه حاضر سعی دارد به بررسی نقش اجزای مخارج بخش عمومی بر نرخ واقعی ارز بپردازد و نتایج این مطالعه می تواند راهگشای سیاست های بخش عمومی باشد، از طرفی رسیدن به این که تغییرات مخارج و درآمدهای دولت چه تأثیری روی سایر متغیرها دارد از آن جهت مهم است که مدارک تجربی برای تصمیم گیرندگان و سیاست گذاران مفید و سودمند خواهد بود. همچنین یافته های تجربی از این تحقیق می تواند با پیش بینی های تئوری های اقتصادی مقایسه شود.

۱-۴- فرضیات پژوهش

- ۱- افزایش در مخارج جاری دولت منجر به افزایش ارزش واقعی پول ملی می شود.
- ۲- افزایش در مخارج عمرانی دولت منجر به کاهش ارزش واقعی پول ملی می شود.

۱-۵- روش گردآوری داده ها

در این تحقیق از داده های سالیانه ایران برای سال های ۱۳۵۴-۱۳۸۶ منتشر شده توسط بانک مرکزی برای مخارج جاری و عمرانی دولت، نرخ تورم، حجم پول، مصرف بخش خصوصی و تولید حقیقی بدون نفت و داده های مربوط به نرخ ارز حقیقی مؤثر و قیمت نفت از سایت IFS وابسته به صندوق بین المللی پول استفاده خواهد شد.

۱-۶- روش تجزیه تحلیل و استدلال

در این پژوهش از روش محدودیت های کوتاه مدت برنانکه برای اعمال محدودیت ها در مدل و شناسایی آن استفاده می شود از اطلاعات کتابخانه ای استفاده کرده و متغیرهای مورد نظر را در چهارچوب مدل خود بازگشت برداری ساختاری (SVAR) درآورده سپس به بررسی اثر شوک های برونزای خریدهای

دولت بر نرخ ارز با استفاده از SVAR و با بکارگیری توابع عکس العمل پرداخته خواهد شد. همچنین برای بررسی سهم بی ثباتی متغیرها در توجیه نوسانات نرخ ارز از جدول تجزیه واریانس استفاده خواهد شد. در این روش سهم تکانه‌های وارد شده بر متغیرهای مختلف الگو در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر در دوره‌های زمانی متفاوت مشخص می‌گردد.

۷-۱- تعاریف عملیاتی

مخارج جاری: مخارج جاری دولت درحقیقت مخارجی است که به طور کلی در زمان حال منفعت ایجاد می‌کند این نوع مخارج دارای منافع مستقیمی در آینده نیست و می‌توان آنها را مخارج مصرفی تلقی کرد.

مخارج عمرانی: مخارج توسعه ای و سرمایه گذاری دولتی شامل سرمایه گذاری ها در بخش زیر بنایی و سرمایه گذاری های اجتماعی و انتفاعی می شود.

نرخ ارز حقیقی: نرخ ارز حقیقی بر اساس قیمت نسبی کالاها بین دو کشور تعیین می‌شود، به عبارت دیگر نرخ ارز حقیقی نشان دهنده نرخی است که می‌توان بر اساس آن کالاها و خدمات یک کشور را با کالاها و خدمات کشور دیگر مبادله کرد.

نرخ ارز حقیقی مؤثر: معیار افزایش یا کاهش ارزش پول رایج در مقابل یک سبد وزنی از پول های خارجی است. در نرخ ارز مؤثر حقیقی، نرخ ارز حقیقی نسبت به پول کشورهای طرف تجاری عمده وزن داده می‌شود.

۸-۱- چارچوب تحقیق

در فصل دوم مبانی نظری موضوع در زمینه نرخ ارز و تأثیر تغییر در مخارج دولت بر نرخ ارز حقیقی تحت مدل ماندل فلمنینگ و بین دوره ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل سوم ابتدا به بررسی پیشینه تجربی تحقیق در داخل و خارج از کشور پرداخته و در ادامه روند مخارج دولت و نرخ ارز در ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل چهارم به مدل سازی تحقیق اشاره شده و در نهایت به برآورد و تجزیه و تحلیل مدل پرداخته شده است و در فصل پایانی جمع بندی از تحقیق به عمل آمده است.

فصل دوم

در قرن اخیر تحولات زیادی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی به وقوع پیوسته که این تحولات اقتصادی زمینه دخالت دولت‌ها را در برنامه‌های اقتصاد کلان فراهم کرده است. این‌گونه دخالت‌ها از طریق سیاست‌گذاری‌های اقتصادی صورت می‌گیرد. در این میان سیاست مالی یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی است که همراه با سایر سیاست‌ها مانند سیاست ارزی، به عنوان متغیر کلیدی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود. یک اصل بنیادین اقتصاد کلان در اقتصاد برای داشتن تعادل پایدار این است که سیاست‌های مالی و پولی با نظام نرخ ارز سازگار باشند. در این تحقیق نیز رابطه بین یکی از ابزارهای سیاست مالی یعنی مخارج دولت با نرخ‌های ارز مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور در این بخش ابتدا به مرور تاریخچه تحولات نظریات اقتصادی دولت و هدف‌های اقتصادی آن و تقسیم بندی انواع مخارج دولت و روش‌های تأمین مخارج دولت خواهیم پرداخت، سپس نرخ ارز و انواع نرخ ارز را تعریف خواهیم کرد و عوامل مؤثر بر آن را به تفصیل توضیح خواهیم داد و در نهایت به مطالعه مبانی نظری و رابطه بین مخارج دولت و نرخ ارز می‌پردازیم.

۲-۲- تاریخچه تحولات نظریات اقتصادی دولت

با وجود اینکه لزوم وجود دولت از ابتدای ایجاد تمدن بشری شناخته شده است اما دیدگاه‌های مربوط به نقش دولت به طور چشمگیری تغییر یافته‌اند. در قرن ۱۹ اقتصاددانان کلاسیک و فلاسفه سیاسی عمدتاً طرفدار دولت حداقل بودند. آنها نقش دولت را محدود به دفاع ملی، نیروی انتظامی، اداره و اجرای امور می‌دیدند. از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک نقش بخش عمومی بر اساس تبعیت از یک نظم طبیعی است، و آن عدم دخالت در بازار می‌باشد. به اختصار می‌توان گفت آنان هزینه‌ها و درآمدهای دولت را مجزا از نظریه‌های تعادل عمومی اقتصاد مطرح می‌کردند.^۱ در سالهای پایانی قرن ۱۹، نظریات اقتصاددانان کلاسیک توسط افکار و نظریات مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها به چالش گرفته شد. با این حال دولت‌ها تا قرن بیستم، در مقایسه با استانداردهای جدید، همچنان کوچک باقی ماندند.

در طی جنگ جهانی اول که مخارج جنگ باعث افزایش نرخ‌های مالیاتی از طرف دولت‌ها شد، اولین افزایش چشمگیر در هزینه‌های عمومی نیز بروز کرد. وقوع مجموعه‌ای از حوادث و رویدادهای مهم در دوران پس از جنگ جهانی اول نقطه عطفی را در این زمینه پدید آورد. اولین رخداد انقلاب ۱۹۱۷ بود

^۱ پژویان، جمشید (۱۳۶۹)

که در روسیه اتفاق افتاد، دومین رویداد بحران بزرگ سال های دهه ۱۹۳۰ بود و سومین حادثه که بر اثر جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست تجزیه سریع امپراتوری های اروپایی بود. این تغییر و تحول جغرافیایی همراه با اوج گرفتن بیمه های اجتماعی در کشورهای صنعتی زمینه ساز آغاز بحث ۵۰ ساله ای شد که بر نقش فعال تر دولت ها تمرکز داشت.

الگوی پس از جنگ جهانی دوم حول سه محور اساسی می چرخد که درباره آن اتفاق نظر وسیعی وجود داشته است. این سه محور عبارتند از: اول، لزوم ارائه خدمات رفاهی به کسانی که از بعد درآمدی و یا سایر محدودیت ها متحمل زیان موقتی شدند. دوم، مطلوب بودن اقتصاد مختلط (ترکیبی از دو بخش خصوصی و عمومی) که اغلب به مفهوم ملی کردن طیفی از منابع راهبردی است که از آن استفاده می شود. سوم، لزوم وجود یک سیاست کلان اقتصادی هماهنگ. دلیلی که برای الزام اخیر ارائه می شد چنین بود: بازار به تنهایی نمی تواند به نتایج کلان اقتصادی با ثبات سازگار با اهداف فردی منجر شود.

در اواسط قرن ۲۰ طیف وظایف نهادهای عمومی، به اندازه ای گسترش یافت که نه تنها ارائه خدمات زیربنایی و عام المنفعه، بلکه حمایت بیشتر از تعلیم و تربیت مراقبت های بهداشتی را نیز شامل شد. علاوه بر سوسیالیسم تفکرات کینزی و پیشرفت های فن آوری بخصوص پس از جنگ جهانی دوم زمینه ای را برای دخالت بیشتر دولت در عرصه اقتصادی فراهم کرد بعنوان مثال مفهوم کالاهای عمومی توسط اقتصاد دانانی مانند ساموئلسون^۲ و ریچارد ماسگریو^۳ تعریف و عمومیت یافت که توجیهی برای حضور دخالت دولت در تولید و عرضه بسیاری از کالاها با ویژگی کالای عمومی شد، زیرا این مفهوم را می رساند که بدون یک چنین دخالتی بازار قادر به عرضه کامل این کالاها نیست به عبارت دیگر بخش خصوصی انگیزه ای برای تولید کالاهای عمومی ندارد. زیرا دیگران را نمی توان از مصرف آنها مستثنی کرد. مفهوم دیگری که بسیار به کالاهای عمومی نزدیک است اثرات جانبی می باشد. فهم این مسئله که تولید یا مصرف یک سری از کالاها اثرات جانبی مثبت یا منفی بر سایر آحاد اقتصادی دارد، شرایط جدیدی را برای شکست بازار فراهم کرد که نیاز به دخالت دولت را به همراه داشت. این انتظار از دولت می رود که هزینه تولید یا مصرف خصوصی کالاهایی را که اثرات جانبی مطلوب دارند را کاهش دهد.^۴

در اواخر دهه ۱۹۶۰ انتقاد از بخش دولت آغاز شد و در دهه ۱۹۷۰ قوت گرفت و آن هنگامی بود که در الگوهای سیاست های هزینه ای دولت نواقصی مشاهده شد و مشکلات به کارگیری آنها مشهود گردید. مقارن با دهه ۱۹۷۰ اعتبار نظریات مربوط به گسترش حجم بخش دولتی از طریق افزایش مخارج مصرفی دولتی و تغییر مالیات ها، به دلیل نقش بازدارنده آنها در زمینه رشد اقتصادی مورد تردید جدی

^۲ Samuelson

^۳ Richard Musgrave

^۴ یوسفی، مریم (۱۳۸۷)